

بررسی انسان‌شناختی پدیده نخل‌گردانی در کاشان (مطالعه موردی: نخل هیأت حسینی در محله سرفره و گذر صدره)

کریم خانمحمدی / دانشیار دانشگاه باقرالعلوم ع / khanmohammadi49@yahoo.com
محدثه یوسفی / کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم ع / mohyee.1367@gmail.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۸/۰۶ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

چکیده

مناسک جمعی، به ویژه با رویکرد مذهبی، نقش بسزایی در صورت‌بندی حیات اجتماعی و فرهنگی مؤمنان ایفا می‌کند، و از کارکردهای بسیاری برخوردار است. مناسک عزاداری محرم، از مهم‌ترین و کانونی‌ترین مناسک جمعی، در فرهنگ شیعیان به شمار می‌آید که با فرهنگ ایران عجین گردیده و کارکردهای زیادی دارد. آیین عزاداری حسینی، به مرور زمان الگوهای مختلفی به خود گرفته که از جمله مهم‌ترین آن‌ها «نخل‌گردانی» است که پیش‌تر در حوزه کویری کشور ایران برگزار می‌شود. نوشته حاضر، تلاش می‌کند با رویکرد انسان‌شناختی (Anthropological) و با بهره‌گیری از تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه و مشارکت، به بررسی ابعاد مختلف معروف‌ترین آیین نخل‌برداری، در هیأت حسینی نخل کاشان، در محل سرفره و گذر صدره، به شناخت حیات فرهنگی - اجتماعی مردم این منطقه، درباره موضوع بپردازد. نتایج پژوهش، حاکی از رسوخ مناسک نخل‌گردانی به لایه‌های عمیق فرهنگی مردم است، به گونه‌ای که پیرامون این مناسک، می‌توان جنبه‌های مختلفی از قبیل «هویت‌بخشی»، «تقدس‌بخشی»، «اسطوره‌سازی»، «حاجت‌خواهی» و «حیات‌پنداری» را ملاحظه نمود.

کلیدواژه‌ها: نخل‌گردانی، مناسک مذهبی، عزاداری محرم، هیأت حسینی نخل کاشان.

مقدمه

پهنه وسیع کشور ایران در منطقه خاورمیانه، به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای مواصلاتی دنیا، سبب شده تا این کشور منشوری از فرهنگ کهن ایرانی متشکل از قومیت‌ها، ملیت‌ها و مذاهب را با آداب و رسوم خاصشان دربرگیرد. از این رو، ایران به لحاظ فرهنگی - اجتماعی، خوان گسترده‌ای از موضوعات را پیش روی محققان قرار می‌دهد که در میان آن‌ها حوزه مذهب به دلیل نوعی تقدس، کم‌تر از نظر جامعه‌شناختی (Socialological) و انسان‌شناختی (Anthropological) بررسی شده و به نوعی دارای بکارت موضوعی است. (تقی‌زاده / خان‌محمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۶)

یکی از موضوعات مهم در حوزه مذهب و تاریخ تشیع، رخداد عظیم انسانی در واقعه کربلاست. این واقعه در گذر از منشور فرهنگ کهن ایرانی، طیف رنگینی از مراسم عزاداری در ماه محرم را تشکیل می‌دهد. مراسم محرم، بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین مراسم سنتی مذهبی و یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های میراث فرهنگی معنوی در ایران است که در ژرف‌ترین لایه‌های فرهنگ ایرانی، با باورهای مذهبی مردم درمی‌آمیزد و در پهنه متکثر و متنوع سنت‌ها و آداب و رسوم ملی و منطقه‌ای، رواج و گسترش می‌یابد. از این رو، برخی مردم‌شناسان معتقدند که مراسم و مناسک محرم به‌ویژه تاسوعا و عاشورا و ده روزه اول محرم، علاوه بر این‌که جنبه مذهبی برای مردم این سرزمین دارد، از باورهای اسطوره‌ای و آرمانی آن‌ها نیز سرچشمه می‌گیرد. (بلوک‌باشی، ۱۳۸۳، ص ۴۲)

عزاداری سیدالشهدا علیه السلام و یاران و خاندانش، تضمین‌کننده زنده بودن پیام عاشورا در طول اعصار و قرون است؛ بنابراین مناسک و آیین‌های عزاداری محرم، قدمت و مفهوم خاصی دارد و نشانه‌ای از کوشیدن برای زنده نگه داشتن یاد حماسه حسینی است.

نخل‌برداری یا نخل‌گردانی، یکی از این مناسک و آیین‌های سنتی عزاداری در ماه محرم است که به طور خاص و پررنگ‌تر در حوزه کویری ایران یعنی در شهرهایی مانند طبس، سمنان، دامغان، خمین، نواحی قم، ابیانه، زواره، اردستان، نایین و کاشان برگزار می‌شود. (بلوک‌باشی، ۱۳۸۳، ص ۵۷) هر کدام از این شهرها، مراسم نخل‌گردانی را به زیبایی و شکوه خاصی اجرا می‌کنند.

هدف تحقیق حاضر، بررسی انسان‌شناختی آیین نخل‌گردانی با مطالعه موردی نخل هیأت حسینی کاشان در محل سرفره و گذر صدره است. در مسیر این تحقیق، همواره این نکته در نظر است که علم انسان‌شناسی، به بررسی هم‌دلانه امور دینی و مذهبی می‌پردازد و هدف آن راستی‌آزمایی باورها و اعمال دینی مردم نیست، بلکه تلاش دارد نظام نمادین و مناسک دینی را به عنوان یک پدیده اجتماعی در نظر گیرد و آن را در ارتباط با امور اجتماعی - فرهنگی جامعه بررسی کند. (رحمانی، ۱۳۹۳، ص ۱۲-۱۸)

از آن‌جا که رویکرد انسان‌شناختی، موضوع را «پدیده اجتماعی تام» در نظر می‌گیرد، سؤالات زیادی به ذهن متبادر می‌شود که محقق در صدد پاسخ‌گویی به آن‌هاست؛ از جمله:

۱. نخل‌نماد چیست و از کدام باور و حادثه تاریخی سرچشمه می‌گیرد؟
۲. آیین نخل‌گردانی چیست و از چه زمانی و در کجا در میان شیعیان رواج یافته است؟
۳. این آیین چه معنا و مفهومی را دربردارد؟
۴. تاریخچه این آیین در کاشان از چه زمانی است؟
۵. کیفیت برگزاری آن در هیأت حسینی چگونه بوده و امروزه دست‌خوش چه تغییراتی شده است؟
۶. باورداشت مردم حول این آیین چگونه شکل گرفته است؟ به عبارتی دیگر، علت استقبال گسترده مردم از آیین نخل‌گردانی در هیأت حسینی کاشان چیست و چرا از مراسم نخل‌گردانی در سایر هیأت‌های شهر این‌گونه استقبال نمی‌شود؟
۷. کارکردهای این مراسم در تقویت ایمان مذهبی مردم کدامند؟

پیشینه تحقیق

علی بلوک‌باشی در کتابی با عنوان نخل‌گردانی؛ نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان، به معرفی این آیین سنتی در ایران پرداخته و تاریخچه و معانی آن را تعبیر و تفسیر نموده است. ایشان در بخشی از کتاب خود، از نخل‌هیأت سرپره یا سرفره، به عنوان معروف‌ترین نخل در خطه کاشان نام برده است. اما باید اعتراف کرد که برای بررسی دقیق و جامع

پیشینه آغاز نخل‌برداری و فلسفه آن در کاشان، هم‌چنین پدیده‌های اجتماعی و مذهبی حول آن، متأسفانه منابع و ادبیات مکتوب خاص یا سفرنامه‌ای وجود ندارد که این مراسم را با رویکرد انسان‌شناختی، تحلیل کرده باشد. معتمدی در کتابی با عنوان عزاداری سنتی شیعیان، در ادامه بررسی هیأت‌های مذهبی کشور و سنت‌های عزاداری در آن‌ها، به معرفی مختصری از این هیأت و نخل آن پرداخته است. (معتمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴-۱۸۰) شاطری نیز در کتاب خود، اشاره کوتاهی به این نخل دارد. (شاطری، ۱۳۸۳، ص ۵۳ و ۱۰۸-۱۰۹) بدین جهت ناچار باید به ادبیات و تاریخ شفاهی که به صورت سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل منتقل شده، اکتفا نمود و به تولید ادبیات پرداخت.

ادبیات نظری و چارچوب مفهومی

رویکردهای انسان‌شناختی در حوزه مطالعات دینی و مذهبی، دین را در مفهوم گسترده آن و در بستر فرهنگ و زندگی مردم بررسی می‌کنند. دین در این حوزه، مجموعه‌ای از باورها و مناسک متعامل در نظر گرفته می‌شود، به گونه‌ای که مناسک بر مبنای باورها شکل می‌گیرند و ایمان افراد به باورها نیز از خلال مناسک تولید و تقویت می‌شوند. (رحمانی، ۱۳۹۳، ص ۱۲) بنابراین، رویکردهای انسان‌شناختی دین را نه به عنوان امری الهی - که در ایلیات و کلام بدان پرداخته می‌شود - بلکه به عنوان امری اجتماعی - فرهنگی در نظر می‌گیرند و به دنبال باورهای دینی مردم در تجربه‌های فرهنگی اجتماعی‌شان هستند. یکی از این رویکردها، رویکرد تفسیری انسان‌شناسانه کیلفورد گیرتز است که به بررسی دین و نمادها و مناسک دینی و آثار آن بر افراد و جوامع انسانی می‌پردازد.

به عقیده گیرتز (Geertz)، مهم‌ترین ویژگی دین، ایمان است که مناسک و آیین‌های مذهبی، مکانیسم ایجاد آن هستند. از نظر او، یقین مذهبی و ایمانی مردم، در آیین‌های مذهبی ایجاد می‌شود؛ یعنی این آیین‌ها، هم صورت کلی مفاهیم مذهبی را تنظیم می‌کنند و هم در صدد توجیه مرجعیت حاکم بر آیین‌های مذهبی که موجب پذیرش این مفاهیم دینی می‌شود، گام برمی‌دارند. (هامیلتون، ۱۳۷۷، ص ۲۷۸)

از نظر گیرتز، در آیین‌ها و مناسک مذهبی، آمیختگی نمادین روحیات معنوی و جهان‌بینی مردم به وجود می‌آید و از این طریق، آگاهی‌های معنوی مردم شکل می‌گیرد. در واقع نمادهای دینی در جریان آیین‌ها و مناسک، «الگویی از» نظم کیهانی (جهان‌بینی) و «الگویی برای» چگونه زیستن انسان‌ها را فراهم می‌آورند. (شاه‌محمدی، ۱۳۹۱، ص ۵۹)

در مجموع گیرتز، با تأکید بر نمادها به مثابه بستر اصلی دین، نقش آن‌ها را در دین‌ورزی انسان‌ها جست‌وجو می‌کند و بر رابطه انگیزه‌های افراد با تصور آن‌ها از نظام هستی و واقعیت تأکید دارد. وی مهم‌ترین رسالت گفتمان دینی و نظام نمادین مذهب را در پیوند میان سبک زندگی و حالات روحی مؤمنان با باورهای اساطیری و برداشت آن‌ها از نظم هستی می‌داند. با تأکید بر این نکته، او همواره کارهای تحقیقاتی‌اش را با شرح مناسک مذهبی و تحلیل تفسیری آن‌ها انجام می‌دهد؛ زیرا اعتقاد دارد که آیین‌های مذهبی، مهم‌ترین عرصه برای ایجاد و تقویت حیات مذهبی دین‌داران است. (رحمانی، ۱۳۹۳، ص ۷۳-۷۵)

نظریه تفسیرگرایی گیرتز درباره مسائل دینی و مذهبی، دارای دو کلید واژه و مفهوم اصلی است:

نمادها

از نظر گیرتز، نمادها محمل الگوهای معنایی تاریخی هر فرهنگ هستند که بستر مناسبی را برای انتقال، تداوم و توسعه فرهنگ بشری تشکیل می‌دهند. نمادها اصولاً برای انتقال معانی و مفاهیم به صورت نظام‌های نمادین عمل می‌کنند و به بیان دیگر، واقعیت‌های تام اجتماعی را شکل می‌دهند. (Geertz, 1973, p. 91-94)

معنا

معنا می‌تواند بیان عینی، ملموس و مجسم از ایده‌ها، نگرش‌ها و داوریه‌ها باشد. در واقع معنا، تلازم طبیعی با نماد دارد؛ زیرا انواع نمادها بدون در نظر گرفتن معانی موجود در آن‌ها برای یک انسان‌شناس بی‌اهمیت است. اما مسأله کشف معنا و بیرون کشیدن آن از دل

نمادها که گیرتز به دنبال آن است، با تقسیم‌بندی دوگانه وی از انواع نمادها، به نمادهای «آگاهانه» و نمادهای «پنهان» شکل می‌یابد.

بازنمایی آگاهانه نمادها هم‌چنان که از نام آن پیداست، از دلالت شیئی بر یک مفهوم مشخص و به صورت شفاف حکایت دارد؛ مثلاً پرچم را می‌توان نماد آگاهانه هر کشور دانست. (Geertz, 2000, P.9) از سوی دیگر، بازنمایی از طریق نمادهای پنهان، زمانی اتفاق می‌افتد که جوامع و افراد و گروه‌های اجتماعی درون آن، از دلالت‌های نمادین خبر ندارند و نمی‌دانند که یک نماد، نشان از چه چیزی دارد. (Geertz, 1988, P. 10-20) گیرتز معانی فرهنگی مستتر در اعمال اجتماعی را عمدتاً از نوع پنهان و ناخودآگاه می‌داند و برای رسیدن به فهم این نمادهای پنهان، رویکرد تفسیری را دنبال می‌کند. (نادری، ۱۳۹۱، ص ۷۳) از نظر او، توصیف فربه یک انسان‌شناس، تفسیر نمادهای پنهان و ناخودآگاه است که با جمع‌آوری اطلاعات از آگاهان محلی به دست می‌آید. به عبارت دیگر، مفهوم توصیف فربه، به روایتی غنی اشاره دارد که باورها و عملکردهای به ظاهر تبیین‌ناپذیر فرهنگی را با قرار دادن در یک نظام معنایی منسجم و سازگار، قابل فهم می‌سازد. (لیندولم، ۱۳۹۴، ص ۳۶)

طبق چارچوب فوق، آیین نخل‌گردانی، به عنوان یکی از مناسک و آیین‌های عزاداری ماه محرم، بستر اصلی دین‌داری و کسب تجربه دینی برای مؤمنان است و اوضاع فرهنگی - اجتماعی مردم را بازنمایی می‌کند. در نظر گرفتن آیین «نخل‌گردانی» به عنوان یک نماد پنهان، ما را به سوی بررسی و تفسیر این آیین سوق می‌دهد تا از این طریق، به معانی مکنون این اعمال و مناسک دینی دست یابیم.

روش پژوهش

برای درک و شناخت فهم عمومی افراد از اعمالی که انجام می‌دهند، نیاز به رویکردی متفاوت در علم انسان‌شناسی است که گیرتز با به‌کارگیری رویکردهای هرمنوتیک و تلفیق آن‌ها با تکنیک مشاهده در انسان‌شناسی، آن را مهیا می‌کند. گیرتز با در پیش گرفتن و

آمیختن دو روش انسان‌شناختی و هرمنوتیک، به جست‌وجوی معنا در نزد بازی‌گران اعمال اجتماعی می‌پردازد. وی کنش اجتماعی را که در قالب شکل‌ها و نمادهای فرهنگی اتفاق می‌افتد، به مثابه یک متن در نظر می‌گیرد و سعی دارد از طریق توصیف فربه آن را شرح دهد. در این روش، جامعه مانند یک متن در نظر گرفته می‌شود. برای فهم و تفسیر این متن، در مرحله اول، باید توصیف لاغر، یعنی توصیف مختصر را به کار برد و با استفاده از روش مشاهده، مسائل تجربی کنش اجتماعی انسان‌ها را با رویکردی مردم‌نگارانه جمع‌آوری کرد و پس از اتمام توصیف مختصر، به توصیف فربه پرداخت. توصیف مختصر در نظر وی، همان جمع‌آوری و ثبت داده‌های انسان‌شناختی از محیط و میدان محل مطالعه یا مردم‌نگاری است. این توصیف، به ثبت اطلاعات تجربی همراه با جزئیات کامل مربوط است. «گیرتز پس از جمع‌آوری و ثبت داده‌ها و ارائه توصیف مختصر، برای دستیابی به معنا، به سراغ توصیف فربه می‌رود. این توصیف برای دستیابی به معنای داده‌های تجربی انجام می‌شود و نقطه اتصال روش هرمنوتیکی گیرتز با روش‌های انسان‌شناسی است.» (نادری، ۱۳۹۱، ص ۷۲) از نظر وی، برای درک و تفسیر مشاهدات، بایستی به سراغ کشف معناهای درون اعمال رفت.

مطابق روش گیرتز در مطالعات انسان‌شناسی و برای توصیف مختصر درباره آیین نخل‌گردانی در هیأت حسینی کاشان، از سه تکنیک مشاهده، مصاحبه و بررسی اسناد، استفاده می‌شود.

۱. مشاهده

محقق طی هشت شب متوالی از شب ششم تا شب سیزدهم محرم، هم‌چنین روز تاسوعا، صبح و عصر عاشورا و شب شانزدهم محرم، در محل هیأت و مراسم نخل‌گردانی حضور یافت و به بررسی فیزیکی مکان، شناخت اعضای هیأت و خادمان آن، الگوهای رفتاری خادمان هیأت و عزاداران، مشاهده نحوه اجرای مراسم و حواشی آن و پدیده‌هایی که حول

آن شکل گرفته پرداخت. در تمام این مقاطع زمانی، همه مشاهدات با دوربین فیلم‌برداری شده است. تلاش محقق این بود که همواره از شیوه مشاهده مشارکتی استفاده کند تا موجب حمایت اعضای هیأت قرار گیرد و در روند تحقیق، با خللی مواجه نشود.

۲. مصاحبه

اصلی‌ترین و البته مهم‌ترین تکنیک در این تحقیق، مصاحبه بود که به روش نیمه‌ساخت‌یافته انجام گرفته است. بدین علت که محور سؤالات دقیقاً مشخص بود، به تناسب اطلاعات افراد و موقعیت مکانی مصاحبه و سایر متغیرها، لحن، تعداد و نوع سؤالات نیز متغیر بود. کلاً بیش از پنجاه مصاحبه انجام شد که از میان آن‌ها در بازبینی‌های علمی، پنج مصاحبه به دلیل واگویی‌های شخصی و بیان احساسات و عواطف فردی و عوامل دیگر در مصاحبه، حذف گردید. مصاحبه‌ها توسط گوشی موبایل ضبط و برخی از آن‌ها نیز با دوربین فیلم‌برداری شد. در تمام موارد، از مصاحبه‌شونده قبل از مصاحبه رضایت حاصل گردید. تمام اطلاعات بدون استناد مندرج در مقاله، برگرفته از مصاحبه‌هاست. البته در مواردی نیز به دلیل شاخص بودن فرد، ارجاع شده است.

مصاحبه‌ها در دو دهه اول ماه محرم سال ۱۳۹۳ انجام گرفته و بدین علت که احساس نمی‌شد پاسخ‌های افراد تحت تأثیر فضای مکانی و زمانی این ایام باشد، نیازی به مصاحبه‌های تکمیلی در مکان‌ها یا زمان‌های دیگر احساس نشد. همواره این تلاش صورت می‌گرفت که مصاحبه‌شوندگان به لحاظ متغیرهای سن، جنسیت، میزان تحصیلات و میزان مشارکت در اجرای مراسم، به گونه‌ای انتخاب شوند که نمونه‌ای از کل باشند.

بررسی اسناد

عمده تکنیک ما برای جمع‌آوری داده‌ها و ثبت آن‌ها در دو بخش قبلی انجام گرفت. متأسفانه جز آن‌چه در بخش پیشینه تحقیق بدان پرداخته شد، هیچ سند مکتوب و دقیقی در خصوص این نخل و آیین عزاداری آن در کاشان، یافت نشد. تنها سند مکتوبی که می‌تواند

نشانی از ارادت کودکان و نوجوانان به حضور در این مراسم باشد، تابلویی است که بخش فرهنگی هیأت تهیه کرده و بالای آن نوشته بود: «وقتی اسم محرم رو می‌شنوی، اولین کلمه‌ای که به ذهنت می‌رسد چیست؟» از میان ۱۱۰ پاسخ نوشته شده هفتاد نوشته در خصوص آیین‌های عزاداری در محرم مانند سینه‌زنی، نخل‌گردانی، سقایی و نمره بود و چهل نوشته درباره شخصیت‌های دشت کربلا هم چون حضرت علی اکبر علیه السلام، علی اصغر علیه السلام، حضرت ابوالفضل علیه السلام و ... ثبت شده بود. نخل‌گردانی و حواشی آن، بیش‌ترین فراوانی را دارد که نشان‌دهنده اهمیت موضوع در منطقه است.

تعداد	سینه‌زنی	حواشی آن	نخل‌گردانی و عطش	سقاچی و تهیه آب	بوس عزرا و	غذاهای نذری	اکبر	حضرت علی اصغر	حضرت علی	ابوالفضل <small>علیه السلام</small>	حضرت	حسن <small>علیه السلام</small>	قاله	حضرت زینب <small>علیه السلام</small>
	۱۹	۳۴	۵	۹	۳	۲	۸	۱۰	۱۷	۳				

جدول تداعی ذهنی افراد از شنیدن واژه محرم

این نمودار، نشان‌دهنده باور مذهبی مردم است که با حضور در این گونه مراسم به همراه فرزندان‌شان، این باور را از بدو کودکی به آن‌ها منتقل می‌کنند.

تاریخچه

در این بخش، ابتدا وجه تسمیه این آیین بررسی می‌گردد و سپس به تاریخ‌نگاری آیین نخل‌گردانی خواهیم پرداخت.

۱. نخل

نخل در لغت به معنای درخت خرماست و مجازاً یعنی هر درخت و یا درختچه تزئینی و مومی. (جواهری، ۱۳۵۹، ص ۸۸) در اصطلاح، نخل را حجله‌مانندی می‌دانند که از چوب ساخته می‌شود و آن را با انواع شال‌های ابریشمی و رنگارنگ و پارچه‌های قیمتی، آینه،

چراغ و غیره آرایش می‌دهند و به گل و سبزه می‌آرایند و در روز عاشورا آن را به محل برپایی مراسم روضه‌خوانی می‌برند و چون شبیه درخت خرما ساخته می‌شود به آن نخل می‌گویند. (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۴/ دهخدا، ۱۳۷۷، واژه نخل)

محققان و تاریخ‌نگاران، دلایل متعددی را برای وجه تسمیه «نخل» ذکر کرده‌اند؛ از جمله:

الف. «نخل به خیمای حضرت امام حسین علیه‌السلام اشاره دارد و می‌خواهد خاطره خیمه‌های حرم آن امام علیه‌السلام را در کربلا مجسم کند.

ب. گویند از عرش دو گوشواره، همانند کجاوه، آویزان است که نماد گهواره حسنین علیه‌السلام است. نخل یادآور دو گوش‌واره عرش الهی، یعنی گهواره حضرت امام حسن و امام حسین علیه‌السلام است و چون مقام صاحبان گهواره عظیم است، نخل را بزرگ ساخته‌اند.

ج. نخل نوعی معماری است. صندوق‌مانندی که برای نشستن سوار، آن را روی پشت شتر و فیل می‌گذارند و آن را محمل و هودج هم می‌گویند. احتمالاً، واژه معماری، برگرفته از اسم سازنده اولیه‌اش می‌باشد که در گذشته، رسم بوده بزرگان قوم را بر آن‌ها حمل می‌کردند.

د. چون نخستین بار این اسکلت را از چوب درخت خرما ساخته‌اند، بدین نام معروف شده است.

ه. حرکت نخل ویژه آیین‌های مربوط به سوگ سیاوش است که پس از اسلام به سنت‌های شیعیان راه یافته است.

ی. چون بدن مطهر سالار شهیدان کربلا، حضرت امام حسین علیه‌السلام را بدون تشییع به خاک سپرده‌اند، شیعیان همه‌ساله به جبران، رسم نخل‌گردانی را تکرار می‌کنند. (ملک ثابت، ۱۳۸۳، ص ۲)

با توجه به مطالعات انسان‌شناسانه پیرامون این موضوع، به نظر می‌رسد عقیده اخیر به حقیقت نزدیک‌تر باشد.

۲. تاریخ‌نگاری

آیین نخل‌گردانی، یکی از آداب و رسوم مردم ایران در عزاداری برای اهل‌بیت علیهم‌السلام است که تا قبل از ممانعت پهلوی، رواج بسیار زیادی داشت. اسناد تاریخی نشان می‌دهد که ساخت و تزئین و حمل تابوت‌واره‌هایی برای شهدا و بزرگان، پیشینه دور و درازی همواره در فرهنگ اساطیری ایران داشته است. نمونه برجسته و معتبر آن مرگ سیاوش و آیین سوگواری سالانه اوست. (بلوک‌باشی، ۱۳۸۳، ص ۱۳)

اطلاق اصطلاح نخل به این تابوت‌واره مذهبی که آن را به شکل‌های گوناگون - بنابر آداب و سنن هر منطقه - تزئین می‌کنند و هم‌چنین کاربرد لفظ نخل به معنا و مفهوم تشییع نمادین پیکر بزرگان، در فرهنگ و ادبیات مذهبی ایران و در میان شیعیان، بنابر اسنادی که در دست است، به دوره صفویه می‌رسد؛ ولی پیشینه رسم گرداندن تابوت و نشانه‌هایی شبیه نخل و با نام‌های دیگر، در مراسم عزا، به دوره‌های پیش از صفویان برمی‌گردد. (آیتی، ۱۳۱۷، ص ۲۴۴)

اما آنچه برای ما مهم است، رسم نخل‌گردانی به نشانه تابوت‌واره اهل‌بیت علیهم‌السلام در میان شیعیان است که به نظر می‌رسد هم‌زمان با تشکیل اولین دسته‌های عزاداری در سوگ این بزرگواران رواج یافته باشد. تابوت‌گردانی در میان شیعیان احتمالاً هم‌زمان با تشکیل نخستین تجمع‌های شیعی در مجالس سوگ شهیدان دین و راه افتادن دسته‌های زائر مرقد امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام شکل گرفته است. مطابق مدارکی که به دست آمده، ابن جوزی در شرح وقایع سال ۴۲۵ قمری می‌نویسد:

شیعیان محله کرخ بغداد، به هنگام رفتن به زیارت مزار امیرمؤمنان و سیدالشهدا، دستگاه‌های آرایه‌بندی و طلاکاری‌شده‌ای به نام منجنیق با خود حمل می‌کردند. (ابن جوزی، ۱۳۵۹ق، ص ۷۸-۷۹: به نقل از بلوک‌باشی)

منجنیق شیعیان کرخ بغداد ظاهراً چیزی شبیه نخل امروزی شیعیان ایران بوده است که آن را با انواع سلاح، اشیا و اسباب روشنایی مانند شمشیر، سپر، آینه، چراغ و پر می‌آراستند و به همراه دسته‌های عزاداری روز عاشورا در محله‌ها می‌گردانند.

نخل‌گردانی در مراسم عزاداری محرم در کاشان، قدمتی حدوداً چهارصد ساله دارد. (نراقی، ۱۳۶۵، ص ۱۰۶-۱۰۹) به نظر می‌رسد با توجه به قدمت تاریخی و شیعی این شهر، بتوان تخمین زد که تاریخچه این آیین در کاشان به عهد صفوی برمی‌گردد؛ یعنی همان قدمت حدوداً چهارصد ساله؛ اما باید گفت: سند دقیقی درباره تاریخچه این آیین در هیأت حسینی نخل‌کاشان وجود ندارد. افراد قدیمی محل و خادمان هیأت می‌گویند: تا این محل بوده، این نخل و این هیأت هم بوده است. با این ادعا شاید بتوان گفت که حداقل قدمت نخل‌گردانی در این هیأت به زمان تشکیل هیأت (سال ۱۰۵۰ ش) در اواخر سلطنت احمدشاه قاجار برمی‌گردد. (معتمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴)

روایت توصیفی از آیین نخل‌گردانی در هیأت حسینی نخل‌کاشان

کاشان شهری مذهبی با قدمت تاریخی است و به همین علت، بیشتر محل‌های آن دارای هیأت عزاداری هستند. از آن‌جا که یکی از آیین‌های سنتی عزاداری در کاشان نخل‌برداری بوده، اکثر هیأت‌ها نخل داشته و هر نخل را به نام هیأت مؤسس آن می‌خوانده‌اند. (نراقی، ۱۳۶۵، ص ۱۰۶-۱۰۷) معروف‌ترین نخل در میان نخل‌ها و هیأت‌های کاشان، نخل هیأت حسینی در محله «سرفره» و «گذر صدره» است. این هیأت در سال ۱۰۵۰ شمسی تشکیل شده و به گفته مسئولان فعلی، تمامی مؤسسان آن از سادات بوده‌اند؛ لذا معتقدند نظر خاصی از اهل بیت علیهم‌السلام به این هیأت و نخل آن همواره وجود داشته است. یکی از خادمان هیأت می‌گوید:

ما همواره نخل را نمادی از تابوت امام حسین علیه‌السلام می‌دانیم که در کربلا نبوده تا حضرت را تشییع کنند.

ایشان اعتقاد دارد نخل همان سفینه (ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه) است و مانند کشتی که در امواج دریا تکان می‌خورد، این نخل نیز در خروش جمعیت بر روی دست مردم تکان می‌خورد و گره از مشکلاتشان می‌گشاید. (شاطریان، ۱۳۹۳، مصاحبه)

نخل هیأت حسینی کاشان، از یک تابوت مسی مستطیلی تشکیل شده است که بر روی عرض‌های آن دو تاق چوبی و قوسی‌شکل قرار می‌گیرد. در زیر تابوت مسی، یک کف‌بندی با چوب‌بستی به صورت چهارچوب افقی و چهارچوب عمودی بسته شده است. آنچه اکنون با این تمثال به عنوان نخل هیأت حسینی کاشان خوانده می‌شود، در واقع مرمت‌شده آن نخل اصلی است که سال‌ها قبل در یک حادثه آتش‌سوزی، چوب‌های آن سوخته و فقط تابوت مسی داخل آن باقی مانده است. این نخل در روی دو سه پایه چوبی قرار گرفته و به اصطلاح محلی «کرسی» شده است.

۱. تزیین نخل

مراسم نخل‌برداری یا نخل‌گردانی در کاشان، دارای مقدمات یا عناصر متعددی است که از جمله آن‌ها می‌توان به لباس‌پوشانی، شمع‌گذاری، عمامه‌گذاری و طناب‌بندی اشاره کرد. به قول برخی اعضای هیأت، چون تمام این نخل از چوب است و قاعدتاً بلند کردن و نگاه‌داری آن بر سر دست کار سختی است، برای سهولت کار نخل‌کش‌ها، این مقدمات لازم است. در ادامه، به بررسی مختصر عناصر مراسم می‌پردازیم.

۱-۱. لباس‌پوشانی

هر ساله یکی از خیاطان زن در آن منطقه، حدوداً ۷۵ متر پارچه مشکی به شکل خاصی می‌دوزد که تمام روی نخل را تا پایه‌های نگه‌دارنده می‌گیرد. به گفته اعضای هیأت، اغلب موارد، افرادی که نذوراتی دارند این پارچه را تهیه می‌کنند یا خود فرد خیاط آن را تهیه می‌نماید. وی برای دوخت این لباس اجرتی دریافت نمی‌کند؛ زیرا معتقد است که مزد کارش را از خود امام حسین علیه السلام می‌گیرد.

مراسم لباس‌پوشانی، هر ساله صبح روز تاسوعا در محل حسینیه هیأت توسط «بابای نخل» انجام می‌شود. بدین صورت که وی بالای نخل می‌رود و پارچه مشکی دوخته‌شده را

روی نخل می‌کشد. سپس دو پرچم سیاه با نوشته‌های سبزرنگ، یکی با عنوان «اگر خسته جانی بگو یا حسین» بر پیشانی جلو نخل و دیگری با عنوان «یا حسین مظلوم» در پشت نخل به لباس نخل متصل می‌کند.

۱-۲. عمامه‌گذاری

پس از این‌که لباس مشکی نخل را بر آن پوشانند، بابای نخل در قسمت بالا یعنی تاج نخل قرار می‌گیرد و کار عمامه‌گذاری را شروع می‌کند؛ بدین صورت که ابتدا یک دستار با پارچه مشکی در نوک پشتی نخل به شکل دورانی و محکم می‌پیچد و سپس با پارچه سبزرنگ، عمامه جلوی نخل پیچیده می‌شود. وجه تسمیه این کار، پیچیدن پارچه به شکل عمامه - بخشی از لباس روحانیت - است و نیت و هدف آن‌ها، بر پیروی از این رسم شیعیان است که عمامه علما و بزرگان را هنگام تشییع بر روی تابوت ایشان قرار می‌دهند. در واقع این پارچه سبزرنگ، نمادی از عمامه امام حسین علیه السلام است. معمولاً این پارچه سبز را افرادی تهیه می‌کنند که عمامه نخل را به نیت گرفتن حاجت برده‌اند و به جای آن حدوداً ۲۵ متر پارچه سبز به هیأت می‌دهند. به قول یکی از نخل‌کشان قدیمی هیأت، عمامه‌گذاری برای نخل موجب محکم شدن لباس مشکی نخل می‌شود تا هنگام مراسم، در انبوه جمعیت جابه‌جا نشود. (۱۳۹۳، مصاحبه)

۱-۳. طناب‌بندی

کف‌بندی که برای نخل ساخته شده، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، دارای چهار ستون در محور افقی و چهار ستون در محور عمودی است. برای محکم کردن این پایه‌ها و محکم کردن نخل در هنگام مراسم، این پایه‌ها را با طناب‌های پنبه‌ای و نخی به طول ۱۵۰ متر می‌بندند. طناب را در قسمت جلو و پشت نخل، در سه ردیف می‌بندند که تعدادی نخل‌کش‌ها در پشت طناب، تعدادی در زیر طناب - طناب‌ها را بر کتف خود می‌گذارند - و

تعدادی هم در جلوی آن قرار می‌گیرند و در قسمت‌های کناری در یک ردیف طناب‌ها بسته می‌شوند. بابای نخل دلیل بستن این طناب‌ها را این‌گونه ذکر می‌کند:

- طناب‌بندی، پایه‌های نخل را مستحکم می‌کند و چون طناب‌ها از جنس پنبه و نخ است، وزنی که هنگام بلند کردن نخل بر آن وارد می‌شود، آن‌ها را سفت‌تر می‌کند.

- مسیر حرکت نخل به علت بافت قدیمی شهر، از کوچه‌های تنگ و باریک با زیر گذرهای کوتاه است که موجب می‌شود نخل‌کش‌ها نتوانند آن را بر روی دوش و یا دست خود حمل کنند. لذا آن را روی زمین می‌گذارند و با کشیدن طناب‌ها و هل دادن نخل از پشت سر، آن را از این کوچه‌های باریک عبور می‌دهند.

- به علت ضخیم بودن پایه‌های نخل، در دست گرفتن آن در جاهایی که زیر گذرهای کوتاه دارند کار سختی است، لذا با ننگه داشتن طناب‌ها، نخل را از زیر گذر عبور می‌دهند.

- برای هدایت نخل به سمت راست یا چپ در مسیرها، به علت ضخیم بودن پایه‌ها نمی‌توان آن‌ها را در دست گرفت؛ بنابراین نخل‌کش‌ها با در دست گرفتن طناب‌ها، آن را به چپ یا راست هدایت می‌کنند. در واقع، این طناب‌ها نقش فرمان‌دهی دارد.

۱-۴. شمع‌گذاری

قرار دادن نور بر مزار اولیا و بزرگان، در عرف شیعی امری مطلوب است و در اغلب موارد، به معنای تعظیم و تکریم آن بزرگواران انجام می‌شود. یکی از آداب پیرامونی در مراسم لباس‌پوشانی و تزئین نخل، شمع روشن کردن توسط مردمی است که به قصد نیاز و طلب حاجت به این جا آمده‌اند تا به یاد حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام و کودکان واقعه کربلا، آن بیابان‌های تاریک را با شمع‌های خود روشن کنند. در هیأت حسینی نخل‌کاشان، مرسوم است که یک سینی بزرگ در نزدیکی نخل می‌گذارند و مردم داخل آن شمع روشن می‌کنند. به گفته یک مصاحبه‌شونده، «در گذشته مرسوم بوده است که شمع را داخل تابوت مسی روشن می‌کردند، اما پس از حادثه آتش‌سوزی که چند سال قبل اتفاق افتاده است، اخیراً شمع‌گذاری به این شکل انجام می‌شود».

۲. کارگزاران مراسم

یکی از ویژگی‌های این آیین جمعی که موجب وحدت اجتماعی می‌شود، شخصیت‌پردازی و اعطای پایگاه اجتماعی به افرادی است که هر یک وظیفه‌ای را در اجرای مراسم بر عهده می‌گیرند. تقسیم کار، یکی از عوامل اصلی در ایجاد وحدت جمعی است که در برگزاری این آیین به خوبی انجام می‌شود. در ادامه، به برخی از وظایف اصلی در اجرای این مراسم اشاره می‌کنیم:

۱-۲. **بابای نخل:** به کسی گفته می‌شود که وظیفه تزئین و لباس‌پوشانی نخل را بر عهده دارد. این فرد باید بتواند مقدمات مراسم را هم‌چون لباس‌پوشانی، عمامه‌گذاری و طناب‌بندی، به خوبی انجام دهد تا نخل‌کش‌ها در حین اجرای مراسم دچار مشکل نشوند؛ بنابراین بابای نخل، معمولاً پسر خود را از جوانی به این کار مشغول می‌کند تا روش‌ها را به خوبی بیاموزد. ۲-۲. **نخل‌کش‌ها:** تعدادی از جوانان قوی‌هیکل و حتی بعضاً بلندقد محل هستند که آن‌ها نیز این امر را از پدران یا اجداد خود به ارث برده‌اند. البته در نخل‌حسینی‌کاشان برای پذیرفتن این نقش هیچ الزامی وجود ندارد و اگر کسی طالب این کار باشد، با هماهنگی قبلی می‌تواند به جمع نخل‌کش‌ها بپیوندد.

۳-۲. **هدایت‌کنندگان و انتظامات نخل:** بدین علت که جمعیت زیادی در مراسم شرکت می‌کنند و هریک می‌خواهند به گونه‌ای به نخل تبرک و توسل بجویند، کنترل نخل برای نخل‌کش‌ها کار سختی می‌شود. لذا تعدادی از اعضای هیأت با لباس خادمی هیأت در اطراف نخل قرار می‌گیرند تا فشار جمعیت را کنترل و نخل را در مسیر خود هدایت کنند.

۴-۲. **حاملان کتل‌ها:** تعدادی از جوانان هیأت، مسئول برداشتن کتل‌هایی هستند که بر روی آن‌ها اسامی چهارده معصوم علیهم‌السلام نوشته شده است.

۵-۲. **پایه‌کش‌ها:** چهار نفر هستند که سه پایه‌های مخصوص نخل را در تمام طول مسیر حمل می‌کنند و به دنبال نخل پیش می‌روند تا در مکان‌هایی که قرار است نخل کرسی شود، پایه‌ها را در زیر آن قرار دهند و نخل‌کش‌ها هم کمی استراحت کنند و به عزاداری بپردازند.

۲-۶. دسته‌عزاداری: تعدادی از جوانان هیأت و برخی افراد حاجت‌گرفته، با لباس مشکی در جلوی نخل حرکت می‌کنند و با شور و شعف خاصی، بر سر و سینه می‌زنند و «حسین وای حسین» گویان، شرکت‌کنندگان در مراسم را از نزدیک شدن نخل به آن‌ها، در مسیر خبردار می‌کنند.

۲-۷. پرچم‌گردان: پرچم‌گردانی در هیأت مذهبی کاشان از آداب و سنن قدیمی نیست، اما برخی جوانان علاقه‌مند، برای ایجاد شور و شعف در میان مردم هنگام عزاداری از این روش استفاده می‌کنند که البته کار بسیار سختی است و مهارت خاصی لازم دارد. این فرد یک پرچم سفیدرنگ حدوداً هشت متری را که منقش به نام سیدالشهدا علیه السلام است، در وسط میدان به صورت دوار و به شکل یک مخروط که رأس آن را خود فرد تشکیل می‌دهد، به حرکت درمی‌آورد.

۳. مراسم نخل‌گردانی هیأت حسینی

نخل این هیأت، بدان جهت که ملجایی برای حاجت‌داران است، همواره در محوطه بیرونی حسینیه نگه‌داری می‌شود تا مردم بتوانند در طول سال هر وقت گریه به کارشان می‌افتد، بدان پناه ببرند و با واسطه‌خواهی از آن، از محضر اهل بیت علیهم السلام طلب حاجت کنند. آیین نخل‌گردانی در این هیأت هر ساله در سه نوبت در محرم، یعنی شب عاشورا، عصر عاشورا، و شب شانزدهم محرم، برگزار می‌شود.

۳-۱. شب عاشورا

شب عاشورا چند ساعت قبل از شروع مراسم، نخل را به داخل حسینیه برده، کرسی می‌کنند و نخل‌کش‌ها با سربندهای «یا صاحب نخل»، در مکان‌های خود در زیر نخل مستقر می‌شوند. سپس مراسم سخنرانی و عزاداری برای امام حسین علیه السلام برگزار می‌شود. در پایان مراسم، با توسل به امام حسین علیه السلام و ابوالفضل العباس علیه السلام و با شوری که عزاداران بر سر و

سینه‌زنان و حسین حسین‌گویان در حسینیه برپا می‌کنند، نخل به یک‌باره از زمین بلند می‌شود. بسیاری از قدمای هیأت اعتقاد دارند لحظه بلند شدن نخل از زمین همراه با عنایت امام حسین علیه السلام است و به این سبب در این لحظه، شور خاصی در حاضران ایجاد می‌شود و صدای شیون و گریه و «حسین حسین» است که فضای حسینیه را پر می‌کند، به گونه‌ای که همه حضرات تحت تأثیر فضا قرار می‌گیرند. سپس با خروش نخل‌کش‌ها و تکان‌هایی که به نخل می‌دهند، نخل با جمعیت از حسینیه خارج و وارد محوطه بیرونی حسینیه می‌شود. در محوطه بیرونی حسینیه، درون جمعیت زیادی از مردم، عده‌ای نوجوان با کتل‌هایی که قبلاً اشاره شد، عده‌ای با پرچم و عده‌ای هم با طبل و شیپور عزا، منتظرند تا نخل از حسینیه بیرون بیاید. این‌ها پیشاپیش نخل شروع به حرکت می‌کنند و نخل به همراه جمعیت به مسیر خود در کوچه‌های تنگ و تاریک قدیمی ادامه می‌دهد. مسیری که نخل طی می‌کند، یک سنت قدیمی است که معمولاً از امام‌زاده‌های شهر عبور می‌کند و به اصطلاح هیأتی‌ها به زیارت دوره می‌رود. در هر مکان که نخل «کرسی» می‌شود، هیأت آن‌جا یک مراسم عزاداری برگزار می‌کند و سپس نخل به مسیر خود ادامه می‌دهد. در شب عاشورا، اولین جایی که نخل کرسی می‌شود، زیارت سلطان امیراحمد است؛ پس از آن به ترتیب زیارت چهل تن، حسینیه شاه‌زاده علی‌اکبر میدان ولی سلطان، حسینیه مسلم بن عقیل و پس از اجرای مراسم عزاداری در آن‌جا، نخل را با ماشین به حسینیه برمی‌گردانند و همه پذیرایی می‌گردند و مراسم تمام می‌شود. گفتنی است به غیر از جمعیت چند هزار نفری که تمام مسیر را همراه نخل طی می‌کنند، جمعیت زیادی از مردم دیده می‌شوند که در مسیرها به انتظار آمدن نخل ایستاده‌اند. از زاویه نگاه این افراد، جمعیت کثیری در جلو و پشت نخل حرکت می‌کنند. جلوی جمعیت، عده‌ای با مشک آب سقا شده‌اند. پس از آن‌ها کتل‌ها به چشم می‌خورند. هر جا که جمعیت کم‌تر باشد و جای وسیعی پیدا شود، پرچم‌گردان شروع به پرچم‌گردانی می‌کند و موج زیبای پرچم منقش به عبارت «یا سیدالشهدا علیه السلام»، ذکر یا اباعبدالله الحسین علیه السلام را بر لبان همه جاری می‌کند. در طول مسیر، همواره دسته عزاداری

بر سر و سینه‌زنان و «حسین وای حسین وای» گویان، در جلوی نخل حرکت می‌کنند و شوری در مردم ایجاد می‌نمایند و این معنا را می‌رسانند که نخل به آن محل نزدیک می‌شود. «اگر در میان جمعیت باشی، دائماً افرادی را می‌بینی که به ذبح گوسفند در جلوی نخل مشغول هستند. این قربانی‌ها، نذورات مردمی هستند که حاجات خود را با توسل و تمسک به این نخل گرفته‌اند. در این مراسم حدوداً دو ساعته، بالغ بر ۱۵۰ گوسفند ذبح می‌شود.» (۱۳۹۴، مصاحبه)

در شهر کاشان، مرسوم است که دسته‌های عزاداری از همه هیأت‌ها به نوبت به بازار بزرگ می‌روند و وارد کاروان‌سرا شده، در آن‌جا عزاداری می‌کنند. در این میان، پرجمعیت‌ترین هیأتی که با نخل به بازار می‌رود، نخل هیأت حسینی است. به علت ارادتی که مردم به آن دارند، نوبت این هیأت عصر روز عاشورا است. در هر محلی که نخل کرسی می‌شود، هیأت آن‌جا مراسم عزاداری، سینه‌زنی و پخش نذری برقرار می‌کنند اما در طول مسیر معمولاً شعارهایی کوتاه خوانده می‌شود تا تکرار آن برای همه راحت باشد و مراسم، یک پارچگی خود را حفظ کند. زمزمه مردم در شب عاشورا در مسیرهای همراه نخل، بیش‌تر این ابیات بود:

شب عاشورا است امشب، کربلا غوغاست امشب

شب عاشورا است امشب، آه و وا ویلاست امشب

شب عاشورا است امشب، بی‌پسر لیلاست امشب

شب عاشورا است امشب، تشنه لب سقااست امشب

۲-۳. عصر عاشورا

عصر عاشورا، بسیاری از مردم شهر و حتی برخی از سایر شهرها در محل حسینیه نخل جمع می‌گردند و مراسم آغاز می‌شود. ابتدا با گذر از کوچه‌های قدیمی شهر، به مسجد آقابزرگ می‌روند، پس از آن وارد خیابان فاضل نراقی شده، از کوچه جنب مسجد کرسی وارد بازار پانخل می‌شوند. در این‌جا یک مراسم عزاداری برگزار می‌گردد و سپس وارد

بازار بزرگ شده، از آن‌جا به زیارت «شاه اسماعیل» بازار نو می‌روند. در آخر، نخل وارد کاروان‌سرای بازار بزرگ می‌گردد و آن‌جا آخرین مراسم عزاداری برگزار می‌شود. درب ورودی کاروان‌سرا و پله‌های قدیمی و مرمت‌شده آن، به‌گونه‌ای است که نمی‌توان به‌طور طبیعی نخل را وارد کاروان‌سرا کرد. از یک طرف پایه‌های نخل گیر می‌کند و از طرفی دیگر عمامه نخل؛ بنابراین، جوانان توان‌مند به این کار با چرخش حدوداً ۴۵ درجه نخل به سمت زمین آن را کج کرده، وارد کاروان‌سرا می‌کنند. «این کار ممکن است دقایقی طول بکشد: گاهی یک دقیقه و گاهی ده دقیقه و یا بیشتر اما تا گیر و گره‌های حاجت‌خواهان در آن مکان حل نشود، نخل وارد نمی‌شود.» (طالب‌زاده، ۱۳۹۴) به گفته یکی از خادمان هیأت، این یک اعتقاد قلبی است که از قدیم به ما یاد داده‌اند. قدیمی‌ها می‌گفتند: برای ورود نخل به کاروان‌سرا، نظری از اهل بیت علیهم‌السلام لازم است. اگر کسی خالصانه آن‌جا درخواست کند، حتماً گرفتاری‌اش حل می‌شود.

مراسم عصر روز عاشورا مختص مردان است؛ چون بازار قدیم شهر که مرکز اصلی عزاداری است، کوچه‌های بسیار تنگ و باریک با تاق‌های کوتاه دارد و امکان حضور خانم‌ها در این مکان وجود ندارد. در این روز نیز در طول مسیر دائماً گوسفندان قربانی‌شده در جلوی نخل مشاهده می‌شوند. هر چند تعدادشان کم‌تر از شب قبل است، به نظر می‌رسد آن‌ها افرادی هستند که حاجت خود را تازه گرفته‌اند، مانند کودک یک ساله‌ای که سال ۱۳۹۳ در مراسم دیده می‌شد.

یکی از خادمان هیأت می‌گوید:

این کودک پارسال (۱۳۹۲)، در یکی از نواحی شهر کاشان متولد شده بود و به خاطر مشکلاتی که داشت، پزشکان گفته بودند که یک ماه پیش‌تر زنده نمی‌ماند. یکی از پرستارهای بیمارستان که از اعضای هیأت است، وقتی حال مضطر پدر و مادر کودک را می‌بیند، نخل را به آن‌ها معرفی می‌کند و آن‌ها را به هیأت می‌آورد. آن‌ها نذر می‌کنند اگر کودکشان

زنده ماند، سال بعد روز عاشورا جلوی نخل قربانی بدهند. حالا امسال (۱۳۹۳) با فرزند یک ساله‌شان آمده‌اند تا نذرشان را ادا کنند. (۱۳۹۳،

مصاحبه)

در عصر عاشورا شعارهای زیر زمزمه می‌شد:

ای وای کشته شد حسین، / ای وای سر جدا حسین، / ای وای بی کفن حسین، / ای وای تشنه لب حسین

۳-۳. شب شانزدهم محرم

نوبت سوم، شب شانزدهم محرم است که در میان کاشانی‌ها، به شب ششم امام حسین علیه السلام معروف است. نخل را از حسینیه به سمت زیارت سلطان امیراحمد می‌برند و از آن‌جا به زیارت گریچه، بعد فاطمیه کوشک صفی، بعد از آن‌جا از کوچه‌های قدیمی به حسینیه هیأت علی اکبری‌های پامنار رفته، بعد از آن با ورود به خیابان ملاحیب‌الله شریف، به زیارت سلطان عطابخش می‌روند و مراسم سینه‌زنی برگزار می‌شود. در پایان، نخل را با ماشین به حسینیه برمی‌گردانند و همه پذیرایی شده، مراسم تمام می‌شود. در این شب نیز در تمام مسیر، مردم به پخش نذورات و خوراکی مشغول هستند. شکوه مراسم در شب ششم مانند شب عاشورا و عصر عاشورا نیست، اما باز حضور مردم چشم‌گیر است. مراسم شب ششم بیش‌تر به نیت هم‌نوایی با حضرت زینب علیه السلام برگزار می‌شود. گفتنی است در روز عاشورا و شب ششم، فقط نخل به زیارت دوره می‌رود و خبری از پرچم و کتل و ... نیست. در شب ششم که به نیت هم‌دردی با حضرت زینب علیه السلام برگزار می‌شود، اشعار زیر تکرار می‌گردد:

ای بی‌برادر زینب، غریب و مضطر زینب
جان حسینی زینب، یار امامی زینب
بی‌یار و یاور زینب، غم‌دیده خواهر زینب
خطبه تو خواندی زینب، یتیم‌نوازی کردی

باورداشت‌های مردم

بر اساس آنچه در مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و گفت‌وگو با عزاداران و اعضای هیأت صورت گرفت، برخی باورداشت‌های مردم بیان می‌شود که در حاشیه این آیین شکل گرفته است و به گونه‌ای اهمیت یافته که امروزه متن اصلی این پدیده را دربرمی‌گیرد:

مردم معتقدند که این نخل حاجتشان را روا می‌کند؛ لذا این استقبال باشکوه را از مراسم دارند. اگر کسی از زیر نخل رد شود، قطعاً حاجت روا می‌شود. عمامه نخل از نظر آن‌ها، پارچه مقدسی است و هر کس آن را نزد خود نگاه‌دارد، حتماً حاجت خود را می‌گیرد. «تاکنون افراد زیادی شفای بیماران خود را توسط عمامه نخل گرفته‌اند». مردم به این نخل تبرک و توسل می‌جویند و آن را واسطه در دستگاه اباعبدالله ع برای طلب حاجات قرار می‌دهند. افرادی که حاجتشان روا شود، نذرهای خود را ادا می‌کنند. به طور عمومی افراد در هر وضع معیشتی که باشند، گوسفند نذر می‌کنند.

اکثر افراد حاجت خود را در خواب گرفته و وقتی بیدار شده‌اند، حاجتشان روا شده بوده است؛ بنابراین خواب در این نگاه، با مفهوم رؤیای صادقانه در نظر گرفته می‌شود و به نوعی برای مردم حجت است. معتقدند هر کس گره کوری در کارش باشد و بیاید این‌جا و خالصانه بخواهد حتماً روا می‌شود. خادمان هیأت گفتند - متأسفانه به دلیل ازدحام جمعیت، این واقعه از چشم محقق و هم‌کارانش دور ماند - امسال یک زن و شوهر اتریشی در جلوی نخل سقایی می‌کردند. ظاهراً آن‌ها سال قبل به ایران آمده بودند و با این مراسم مواجه شدند و حاجتی داشته‌اند که آن را گرفته‌اند، نذر کرده بودند که امسال جلوی نخل سقایی کنند.

به عقیده آن‌ها هر فردی که در مراسم شرکت می‌کند، مورد عنایت امام حسین ع قرار می‌گیرد. این اعتقاد به گونه‌ای بود که به‌طور مکرر مردم به محقق و هم‌کارانش می‌گفتند. مردم معتقدند در مسیر حاجت‌خواهی، صلاح و مصلحت فرد هم مهم است. می‌گویند: «ممکن است ادای حاجت تو الان به صلاح نباشد و در سال‌های بعد حاجت‌روا شوی».

گزارش فربه آیین نخل‌گردانی در هیأت حسینی

همان‌طور که قبلاً بیان شد، واقعه عاشورا و حادثه کربلا، توانایی و قدرت زیادی در خلق و استفاده از نمادها دارد. در واقع مناسک مذهبی و سبک و شیوه عزاداری، نمادهایی عینی و مادی‌اند که سیلان و تسری زیادی در زندگی مردم دارند و بدین سبب دارای سطوح معنایی متفاوتی هستند. این سطوح را به دو «سطح آشکار و پنهان» یا به عبارتی سطوح عینی و پدیدارشناسانه می‌توان تقسیم کرد. (Kendal, 2000, P. 342) در ادامه، به تحلیل این دو سطح می‌پردازیم:

۱. تحلیل عینی یا آشکار

این تحلیل، به بررسی معنا و مفهومی می‌پردازد که در ذهن کنش‌گران است. در این تحلیل باید بدانیم که کنش‌گران برای رفتارهای خود معنا و مفهوم خاصی قائلند که معمولاً آن را در صحبت‌های خود بیان می‌کنند. آنچه در مصاحبه‌ها و مشاهده در خصوص آیین نخل‌برداری در هیأت حسینی کاشان به دست آمده، به شرح ذیل است:

۱-۱. واسطه خواهی

واسطه‌خواهی و توسل و تبرک جستن به اشیا در ادبیات دینی، نه تنها مذموم نیست، بلکه آیات و روایات گوناگونی برای شیوه‌های آن ذکر شده است. مردم نخل را به عنوان نمادی مقدس از تابوت امام حسین علیه السلام واسطه قرار می‌دهند تا از آن حضرت حاجت‌خواهی کنند.

در پاسخ به این سؤال که «آیا حاجت‌هایتان را از نخل می‌خواهید؟» می‌گویند: «نه؛ هرگز. نخل فقط چند تکه چوب و پارچه است. هر چیزی واسطه‌ای می‌خواهد؛ ما واسطه‌اش می‌کنیم. ما حاجت‌هایمان را از صاحب نخل می‌گیریم.»

۲-۱. هم‌ذات‌پنداری با حادثه کربلا

کاشان مهد قدیمی‌ترین تمدن بشر و جزء اولین پایگاه‌های تشیع در ایران است. (نراقی، ۱۳۶۵، ص ۱۰ و ۲۰) سکنه شهرستان عموماً مسلمان و شیعه دوازده‌امامی‌اند؛ بنابراین در این شهر شیعی علاوه بر فرهنگ تشیع، ته‌نشست‌هایی از فرهنگ اسطوره‌ای ایران وجود دارد که محمل و مظروف خوبی برای فرهنگ شیعی بوده و با آن درآمیخته است. تابوت‌گردانی در ماتم بزرگان، یکی از آداب و سنن اساطیری در ایران بوده که با جریان تشیع، شکل مذهبی به خود گرفته و این آیین را به حادثه کربلا تسری داده است. تقریباً تمام شرکت‌کنندگان در این مراسم از بزرگ و کوچک و پیر و جوان، تا بی‌سواد و تحصیل‌کرده، جملگی این آیین را با تمسک به حادثه کربلا بازگو می‌کنند. خانم جوانی با چشمانی اشک‌بار می‌گفت: «به آن عمامه سبز بالای نخل در ازدحام جمعیت نگاه کن. یاد سر بریده امام حسین علیه السلام بر بالای نیزه نمی‌افتی؟ حالا خودت را جای خواهرش حضرت زینب علیها السلام بگذار!» و بار دیگر، سیل اشک از چشمانش جاری می‌شد. یا یکی از نخل‌کِش‌ها که تمام طول مسیر در زیر نخل اشک از چشم‌هایش جاری بود می‌گفت: «تو کربلا تابوت نبوده که آقا رو تشییع کنند؛ ما امشب او مدیم گوشه‌های تابوت آقا رو بگیریم و تشییع کنیم».

تحلیل مردم از این آیین و آن شور و شعف و باوری که در ذهن داشتند، ناخودآگاه ذهن هر بیننده و شنونده‌ای را از هر گونه نمادین بودین و صوری بودن مراسم خالی می‌کرد و انسان را درگیر اصل حادثه، یعنی تشییع پیکر امام در صحنه کربلا می‌نمود.

۳-۱. هویت بخشی

با توجه به صبغه مذهبی کاشان، تقریباً در تمام محله‌هایش یکی دو هیأت عزاداری دیده می‌شود. بسیاری از هیأت‌ها برای خود نخل و علم و کتل دارند. اما برای اعضای هیأت حسینی نخل و مردم آن محله، این نخل و این هیأت سمبل یک عنایت است. آن‌ها به سبب سیادت و البته خلوص نیت تمامی مؤسسان هیأت، همواره معتقدند که این هیأت و این نخل موجب عنایت خاص اهل بیت علیهم السلام است؛ مثلاً رئیس هیأت می‌گوید:

امام حسین علیه السلام برای همه است و همه جا هست. اما یک نگاه خاص و ویژه‌ای به این هیأت و این نخل دارد. این همه حاجت که مردم آمدند و از پای این نخل گرفتند. من خودم می‌توانم بگویم از خادمی که در این هیأت می‌کنم هیچ گیر و گرفتاری در زندگی‌ام ندارم. (باقری، جلیل، ۱۳۹۳)

۴-۱. تقدس بخشی

یکی از مؤلفه‌های مهم در توصیف افراد از نخل و آیین نخل‌برداری، تقدس‌بخشی است. افراد به صورت ناخودآگاه آن‌چه را که درباره نخل می‌بینند یا می‌شنوند، رنگ تقدس می‌بخشند تا باورداشت مذهبی آن‌ها از این آیین نمادین خدشه‌دار نشود. یکی از نمونه‌های قابل توجه در نخل حسینی کاشان، باور مردم به عنایت ویژه اهل بیت علیهم السلام به نخل است؛ به گونه‌ای که عده‌ای معتقدند: هتک حرمت، موجب عکس‌العمل از سوی نخل است. غیب شدن نخل از دید افراد یا برگشتن خود نخل به محل اصلی‌اش و یا حرکت نخل بدون وجود نخلکش‌ها، جزئی از باورداشت‌هاست. در مصاحبه‌های انجام‌گرفته، سه داستان در این موضوع مطرح شد:

- عده‌ای می‌گفتند: خیلی سال قبل یک‌بار بابای نخل شبانه برای توسل به نخل به محل نگه‌داری آن می‌آید و وقتی در را باز می‌کند، می‌بیند نخل نیست. تعجب می‌کند ولی چیزی نمی‌گوید. بعد از نماز صبح که می‌آید، می‌بیند نخل در سر جای خود است (معتقدند شب جمعه بوده و نخل به زیارت کربلا رفته است).

- عده‌ای دیگر می‌گویند: زمان محمدرضاشاه که اجازه عزاداری به هیأت‌ها نمی‌دادند، یک‌سال مأموران شهربانی می‌آیند و نخل را به محل دیگری می‌برند تا کسی نتواند مراسم را در آن سال برگزار کند؛ صبح می‌بینند نخل نیست و می‌روند در محل حسینی می‌بینند نخل به جای خود برگشته است.

- عده‌ای دیگر می‌گفتند: یک سال برف سنگینی آمده و کوچه‌ها بسته شده بود و نمی‌توانستند نخل را بردارند و در محله‌ها بگردانند. نخلکش‌ها می‌آیند به حسینی می‌بینند نخل خودش دارد وارد کوچه‌ها می‌شود.

البته نمی‌شود به یک اجماع علمی و نظری درباره این موضوعات دست یافت؛ زیرا سند دقیق برای ارائه وجود ندارد و یک باورداشت مردمی است اما مهم، تقدس‌بخشی مردم به نخل است.

۲. تحلیل پدیدارشناسانه

سطح دیگری از تحلیل، به ابعاد پنهان معانی در ذهن کنش‌گران می‌پردازد. در واقع باید گفت: هر پدیده اجتماعی دارای معنای پنهانی است که کنش‌گران بدان توجه ندارند و انسان‌شناس وظیفه دارد که با بررسی و تحلیل، این معانی را از زوایه بیرونی کشف کند. در واقع، برای انسان‌شناس، صحت و سقم ادعای مردم مهم نیست، بلکه واکاوی ابعاد پنهان معانی در ذهن مردم، مد نظر اوست. در خصوص آیین نخل‌برداری در کاشان باید گفت که صبغه تمدنی و البته شیعی مردم این شهر، سبب شده است تا آنان پیش‌تر و بیش‌تر با امام حسین علیه السلام و قیام و نهضت عاشورایی او آشنا گردند و در جهت ترویج و تثبیت این نهضت حسینی بکوشند. لذا با استفاده از آیین‌های نمادین و شور حسینی که در مردم ایجاد می‌کنند، در جهت اشاعه این نهضت عاشورایی گام برمی‌دارند. همان‌طور که اشاره شد، این آیین و سبک عزاداری، یعنی نخل‌برداری، دارای معنای پنهانی است که می‌توان آن را این‌گونه تحلیل کرد:

۲-۱. اسطوره‌ای بودن

اسطوره عبارت است از: روایت یا جلوه‌ای نمادین درباره موجودات فوق‌طبیعی و یا به عبارتی دیگر، شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می‌بندند. موضوعات اسطوره‌ای و مصادیق آن، بیش‌تر در مورد موجودات ماورایی است و آن‌ها در اسطوره‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کنند. اسطوره‌سازی با الهی کردن موجودات و وقایع زمینی اتفاق می‌افتد. (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۴)

از مهم‌ترین وجوهی که سبب نوعی تقدس‌بخشی و حتی توجیه‌گری در این آیین است، بیان اسطوره‌ای و کهن بودن این مراسم است. شاید هیچ یک از افرادی که در مراسم حضور

داشتند - اعم از اجرا کنندگان و حاضران - از تاریخچه نخل و علل شکل‌گیری این آیین اطلاعاتی نداشتند، اما همه متفق‌القول، از تاریخی و قدیمی بودن و از همه مهم‌تر از ماورایی بودن پدیده‌های حول این نخل، صحبت می‌کردند. مثلاً خانم میان‌سالی می‌گفت:

من وقتی حاجت دارم، جز این‌جا اصلاً جای دیگری نمی‌روم. این نخل عنایت شده امام حسین. حاجت همه رو میده. هر حاجتی که باشه. منم فقط حاجتمو این‌جا می‌گیرم و تا حالا هم گرفتم».

یکی از خادم‌های هیأت تعریف می‌کرد که فرزندش هنگام تولد با تیغ جراحی که عفونی بوده، عفونت وارد خونش شده بود و پزشک‌ها می‌گفتند که دیگر نمی‌شود برایش کاری کرد. گفت:

اومدم کاشان؛ بابای نخل که از سادات بود منو دید. براش تعریف کردم چی شده. دستمو گرفت برد پای نخل و گفت: «یا جده. این هر کاری تو هیأت بهش بگی می‌کنه. شما این‌جا هستید. باید بچه شو ببره تهرون دکتر. خودش سرش نشده. جوونی کرده. شما ریش ما رو گرو بگیر. بچه شو شفا بده.» بعد هم من و خانمم کلی گریه کردیم و یه زیارت عاشورا خوندم و رفتیم خونه. نصف شب دیدم خانمم صدام می‌زنه. گفت: پاشو. گفتم: چطور؟ گفت: بیا ببین. رفتیم بالا سر بچه. خیلی خوشگل شده بود. گفت: «الان حضرت زهرا علیها السلام این‌جا بود. بچه‌مون شفا پیدا کرد.» دویدم در خونه بابای نخل. داشت نماز شب می‌خوند. اومد خندید و گفت: ما صاحب داریم. تو بچه تو می‌بری تهرون دکتر. این یک اعتقاد و باور قلبی شده برای مردم شهر که این نخل حاجت می‌ده. خیلیا مریض داشتن. آوردن این‌جا شفاشو گرفتن. ما سرطان خونی داشتیم. شفاشو از پای این نخل گرفته. (شاطریان، ۱۳۹۳)

در واقع افراد حاضر در مراسم و افرادی که متوسل به نخل و صاحب آن یعنی امام حسین علیه السلام می‌شوند، به نخل که یک «شیء» است، حقیقتی ماورایی می‌دهند و البته این در پرتو باور و ایمان مذهبی مردم است.

۲-۲. محسوس‌اندیشی درباره مقدسات

حادثه کربلا و مصیبت‌های وارده بر خاندان اهل‌بیت علیهم‌السلام، به گونه‌ای است که در باور عمومی مردم نمی‌گنجد. نگاه عمومی و نقل قول مردم این است که ما برای متوفی از اطرافیان و آشنایان خود، مراسم تشییع برگزار می‌کنیم. اما رخداد کربلا به گونه‌ای بوده که نه تنها تشییع پیکرهای مقدس صورت نگرفته، بلکه هتک حرمت هم شده‌اند و باور این وقایع در اذهان مردم دشوار است و سعی عمومی وجود دارد تا با رونق دادن به این گونه آیین‌ها و مراسم‌ها، به نوعی آن پیکرهای مقدس را تشییع نمایند و از این طریق، مصیبت وارده بر خاندان اهل‌بیت علیهم‌السلام را به صورت محسوس درک کنند.

نخل‌گردانی به عنوان تشییع نمادین پیکر امام حسین علیه‌السلام، جلوه‌ای بارز از این فاهمه عمومی است. نمونه‌های دیگر آن شمع‌گردانی و سقا شدن در مراسم است. خانم میان‌سالی با چشمان اشک‌بار به روشن کردن شمع مشغول است. او علت این‌کارش را این‌گونه بیان می‌کند:

به یاد آن لحظاتی که زینب عقیله بنی‌هاشم دختر مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام به راه افتاد تا در تاریکی شب کودکان آواره در دشت تاریک کربلا را بیابد، این شمع‌ها نشانه ابراز ارادت و هم‌دردی من با ایشان است. می‌خواهم دشت تاریک کربلا را با شمع‌هایم بر ایشان و طفلان امام حسین علیه‌السلام روشن کنم.

یکی دیگر از نمادهای کربلا، آب، عطش و مفهوم تشنگی است که این مفاهیم در حوزه جغرافیایی ایران بسیار ملموس و پرمعناست. عاشقان و ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت، در مراسم سنتی عزاداری برای هم‌دردی با لبان تشنه خیام اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، به امر سقایی در دسته عزاداری مشغول می‌شوند و با توسل به مقام بلند سقای دشت کربلا، ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام طلب حاجت از درگاه الهی می‌کنند و به این امر مؤکد، اهتمام می‌ورزند. ارادت و علاقه مردم به این آیین، به گونه‌ای است که بعضاً برای ثبات و تقویت

نعمت ولایت اهل‌بیت در دل فرزندان‌شان، آن‌ها را در جلوی دسته عزاداری سقا می‌کنند تا به یاد تشنگی امام حسین علیه السلام و یاران‌شان و لعنت فرستادن بر قاتلان ایشان، بذر تولی و تبری را در دل‌های آن‌ها بکارند. کودکی که مشک آبی را به سختی با خود حمل می‌کند، می‌گوید: «دلم می‌خواد امشب هیچ‌کس تشنه نماند. کاش من کربلا بودم» و صدای حق‌گویی گریه‌اش توجه اطرافیانش را جلب می‌کند.

این نمونه‌ها، نشان‌دهنده آن است که مردم همواره می‌کوشند حوادث واقعه کربلا را برای خود ملموس و محسوس کنند تا از این طریق باورداشت مذهبی خود را تقویت نمایند.

حاجت‌خواهی

یکی از وجوه غالبی که در مشاهده و مصاحبه‌ها دیده می‌شود، معیشت‌اندیشی است. به این معنا که مقدسات بیش از هر چیزی، با زندگی و معاش مردم درآمیخته و به زندگی آن‌ها سر و سامان می‌دهد. یکی از جوانان نخل‌کش می‌گوید:

ما یک سال انتظار می‌کشیم تا دهه محرم بیاید و ما برویم زیر نخل. هر چه داریم از خود ارباب داریم. با خود امام حسین علیه السلام عشق می‌کنیم. اصلاً خستگی احساس نمی‌کنیم. سالمون رو به عشق آقا سر می‌کنیم.

یکی از سکنه محل می‌گوید:

ما نمک زندگی مون رو هم از این جا داریم. نفسمون به عشق این نخل و این هیأت میاد و می‌ره.

این موارد، نشان می‌دهد که عموم مردم سر و سامان زندگی خود را از این مناسک مذهبی می‌گیرند. باورداشت مردم به این نخل به عنوان یک واسطه مقدس، در دستگاه اباعبدالله علیه السلام، سبب می‌شود تا مردم این خطه حتی برای امور روزمره زندگی خود دست به توسل بزنند و از این طریق، به رفع حاجات خود بپردازند. جوانی اصفهانی که امسال به طور اتفاقی با این نخل آشنا شده بود، می‌گوید:

من اصفهانی‌ام. امسال داماد کاشانی‌ها شدم. همون شب اول محرم به نخل متوسل شدم و حاجتم رو گرفتم.

نمونه‌های بی‌شماری از این ادعاها نشان می‌دهد که مردم هر مشکلی را در معیشت خود دارند، اعم از بیماری، ازدواج، تحصیل، اشتغال و ... تنها ملجأ و پناهگاه خود را این نخل می‌دانند تا به واسطه آن، امام حسین علیه السلام به آن‌ها نظر لطفی کند و حاجاتشان ادا گردد.

نتیجه

در این نوشتار، با رویکرد تفسیرگرایانه گیرتر و با تمسک به روش هرمنوتیک او، به تحلیل انسان‌شناسانه آیین نخل‌گردانی، در هیأت حسینی سرفره کاشان پرداختیم. این تلاش، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که آیین‌ها و مناسک عزاداری، مهم‌ترین بسترهای شکل‌دهنده ایمان مذهبی مردم در جوامع کنونی‌اند. در واقع رفتار و آداب اجتماعی و دینی انسان‌های امروزی با وجود این نمادها توجیه و تثبیت می‌شوند. وجود این آداب و مناسک در بین مردم و پایبندی به اجرای آن‌ها در هر سال، ناشی از حساسیت دینی و اعتقادی مردم است. از طرفی مردم با حضور پرشور خود در این گونه مراسم‌ها، دست به توسعه و ترویج و تقویت آن‌ها می‌زنند. آنچه برای ما مهم است، نخل‌گردانی، جزء مراسمی به شمار می‌آید که با شور، اشتیاق و هم‌دلی که در مردم ایجاد می‌کند، همواره می‌تواند یاد و خاطره امام حسین علیه السلام و یارانش را در مسیر پر پیچ‌وخم تاریخ زنده و جاوید نگه دارد؛ بنابراین، هم‌چنان‌که در بخش گزارش فربه به تفصیل توضیح داده شد، نخل‌گردانی با داشتن کارکردهایی همانند حاجت‌خواهی، جامعه‌پذیری کودکان، واسطه‌خواهی، تقدس‌بخشی به هنجارهای عاشورایی، هویت‌بخشی مذهبی، و هم‌ذات‌پنداری کنش‌گران با اسوه‌ها، در دین‌داری مردم منطقه مؤثر است.

فهرست منابع

۱. اسماعیل پور، ابوالقاسم، *اسطوره بیان نمادین*، تهران: سروش، ۱۳۸۷.
۲. آیتی، عبدالحسین، *تاریخ یزد*، یزد: چاپخانه گلپهار، ۱۳۱۷.
۳. بلوک‌باشی، علی، *نخل‌گردانی (نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان)*، چ ۲، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳.
۴. تقی‌زاده داوری، محمود و خان‌محمدی، کریم، «بررسی پدیدارشناختی پدیده چنار خونبار الموت قزوین»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال هفتم، شماره ۲۶، سال ۱۳۸۸.
۵. جواهری، محمدخلیل، *فرهنگ جهانگیری*، به کوشش رحیم عقیقی، چ ۱، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۵۹.
۶. خان‌محمدی، کریم، «تحلیل مردم‌شناختی مناسک مذهبی در فرآیند جهانی شدن (مطالعه موردی مناسک قالیشویان مشهد ارده‌ال)»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۱۳، سال ۱۳۸۵.
۷. داعی الاسلام، محمدعلی، *فرهنگ نظام*، تهران: دانش، ذیل نخل، ۱۳۶۴.
۸. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷.
۹. رحمانی، جبار، *تغییرات مناسک عزاداری محرم (انسان‌شناسی مناسک عزاداری محرم)*، چ ۱، تهران: تیسرا، ۱۳۹۳.
۱۰. شاطری، علی اصغر، *واژه‌نامه محرم کاشان*، تهران: مرسل، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۱. شاطریان، ۱۳۹۳ / طالب زاده، ۱۳۹۴ / جلیل باقری، ۱۳۹۳: مصاحبه با جامعه نمونه.
۱۲. شاه‌محمدی، رستم و فاطمه پاسالاری بهنجانی، «مقایسه آراء امیل دورکیم و کلیفورد گیرتز در زمینه دین با تأکید بر رویکرد آن‌ها»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی ادیان*، سال ششم، ش ۱۲، ص ۵۹، سال ۱۳۹۱.
۱۳. لینولم، چارلز، *فرهنگ و هویت؛ تاریخ، نظریه و کاربرد انسان‌شناسی روان‌شناختی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۴.
۱۴. معتمدی کاشانی، سیدحسین، *عزاداری سنتی شیعیان*، چ ۱، قم: عصر ظهور، دوره هفت جلدی، ۱۳۷۸.
۱۵. ملک ثابت، مهدی، *ریشه‌شناسی نخل در عاشورا*، خبرگزاری میراث فرهنگی، تاریخ مراجعه: ۱۳۸۳، ۹۴/۲/۱۵.

۱۶. نادری، احمد، «کیلفورد گیرتز از پوزیتویسم تا انسان‌شناسی تفسیری»، فصلنامه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره دوم، شماره اول، سال ۱۳۹۱.
۱۷. نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، چ ۲، تهران: علمی - فرهنگی، ۱۳۶۵.
۱۸. هامیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تیان، ۱۳۷۷.
19. Geertz, Clifford, the Interpretation of Cultures, New York: Basic Books, P 9, 2000.
20. Geertz, Clifford, Works and Lives: The Anthropologist as Author, Cambridge: Cambridge University Press, P. 10-20, 1988.
21. Geertz, Clifford, the Interpretation of Cultures, New York: Basic Books, P. 91-94, 1973.
22. Kendal, Diana, Sociology in Qur Times, USA, 2000.